

درباره تئاتر و ماجرای سفر قهرمان به روایت جوزف کمبل

قدرت گرفتن اسطوره

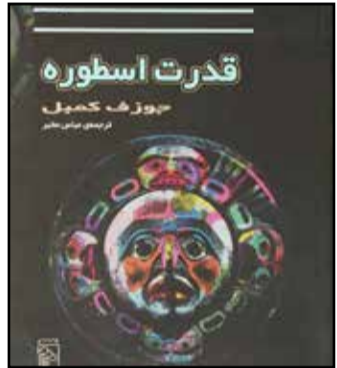


سید حسین رسولی

این روزها که تئاترها به علت شیوع ویروس کرونا تعطیل شده‌اند بهترین کار برای افرادی چون من خواندن کتاب، پژوهش در زمینه تئاتر، نظر به ادبی و نقد هنری است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌های اسطوره‌شناسی که تأثیر فراوانی در فیلم‌نامه‌نویسی، ادبیات عامه‌پسند و ژانر علمی-تخیلی، دنیای بازی‌های رایانه‌ای و سینما داشته نظریه جوزف کمبل است که متأسفانه جای آن در نمایشنامه‌نویسی و تئاتر ما خالی است. در این روزها یادداشتی درباره نمایش‌های برتر سال ۱۳۹۸ نوشتم که به واسطه آن متوجه شدم بیش از هر چیز در زمینه شناخت و طراحی ساختار قصه و کهن‌الگوی قهرمان در نمایشنامه‌نویسی مشکل داریم. جوزف کمبل، اسطوره‌شناسی آمریکایی بود که در ۱۹۰۴ در نیویورک زاده شد و در سال ۱۹۸۷ در هونولولو درگذشت. کتاب‌هایی چون «قدرت اسطوره» (۱۹۸۷) و «سفر قهرمان» (۱۹۹۰) مجموعه گفت‌وگوهایی با این اسطوره‌شناس و تاریخ‌شناس آمریکایی هستند که هر دو اثر توسط عباس مخبر به فارسی ترجمه شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار دارند. این کتاب‌ها به مسائل مهمی در رابطه با اسطوره و جهان معاصر می‌پردازند مثلا کمبل اعتقاد داشت کنسرت‌های موسیقی راک شباهت بسیاری به مراسم آیینی باستان دارند. جرج لو کاس، کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و تهیه‌کننده آمریکایی نیز گفته است که مجموعه

فیلم‌های «جنگ ستارگان» را بر اساس نظریه‌های جوزف کمبل ساخته است. کمپانی دیزنی نیز تأکید بسیاری بر استفاده از نظریه‌های کمبل در نوشتن و تولید انیمیشن‌ها و فیلم‌های خود دارد و طراحی ماجراجویی‌ها و سفر قهرمان می‌آید. این نویسنده مورد توجه در کتاب «قهرمان هزار چهره» (۱۹۴۹) توانست اسطوره و کهن‌الگوی قهرمان را از دوران باستان تا روزگار معاصر ساختار بندی کند و شباهت‌های آنها را پیدا کند. این کتاب نیز توسط شادی خسرو پناه به فارسی ترجمه شده و راهنمایی بسیار کلیدی برای تولید آثار هنری است. کمبل می‌گوید: «می‌دانید من کتاب‌هایم را برای دانشجویان و هنرمندان نوشتم، نه منتقدان و پژوهشگران وقتی می‌شنوم کارم چقدر برای اینها هم مفید بوده است، نمی‌توانم به شما بگویم چقدر از این بابت خوشحالم. این به معنای آن است که مجموعه گسترده اسطوره‌هایی که من شناس کار کردن روی آنها داشته‌ام، در یک نسل تازه‌نیز زنده خواهد ماند. می‌دانید این کار هنرمند است که به بازتفسیر داستان‌های کهن بپردازد و آنها را با دیگر نظریه‌ها و نقاشی و فیلم زنده کند». کمبل به خوبی اشاره می‌کند که هنرمندان می‌توانند به بازتفسیر داستان‌های کهن بپردازند زیرا این امر به خوبی کار درام‌نویسان و دراماتورژهای تئاتر ایران می‌آید.

سفر پرخطر قهرمان از کجا آغاز شد؟
جوزف کمبل الگویی را به نام سفر قهرمان طراحی کرد که ادعا می‌شود بیشتر اسطوره‌های



جوزف کمبل

استفاده شد. کمبل برای این الگو، ۱۷ مرحله یاد می‌کند؛ اما بیشتر اسطوره‌ها تمام این مراحل را دارا نیستند و بعضی فقط روی یکی از این مراحل تمرکز دارند. این ۱۷ مرحله، ذیل سه مرحله کلی «جدایی»، «تشریف» و «بازگشت»

جای می‌گیرند. در مرحله جدایی، قهرمان از دنیای عادی به دنیای ناشناخته‌ها سفر می‌کند، مرحله تشریف، شرح ماجراهای او در دنیای ناشناخته‌هاست و بالاخره در مرحله بازگشت، او دوباره به دنیای عادی بازمی‌گردد. سفر اسطوره‌ای قهرمان معمولا تک‌ریم و تکرار الگویی است که در مراسم گذار به آن اشاره شده است. کمبل می‌نویسد: «جدایی، تشریف، بازگشت» که می‌توان آن را هسته اسطوره یگانه نامید. او در ادامه تأکید می‌کند: «قهرمان، کسی است که به خواست خود به تسلیم رسیده است ولی تسلیم در برابر چه؟ این معمای است که امروزه باید در حل آن بکوشیم و حل همین معما نخستین فضیلت و عمل تاریخی قهرمان در هر کجای جهان است.» در مرحله اول یا جدایی او از وطن مدنظر باشد، قهرمان با ندایی مواجه می‌شود که او را به سمت خوش می‌خواند و به دنبال خرد می‌کشد. این ندا که جوزف کمبل آن را دعوت به آغاز سفر نامیده است؛ معمولا در شرایطی خاص به گوش می‌رسد، در یک جنگل تاریک، زیر درختی بزرگ، کنار چشمه‌ای جوشان و معمولا پیام‌آور قدرت سر نوشت، موجودی گریه است که خوار و ناچیز شمرده می‌شود. «قهرمان پس از طی اندکی از راه مصمم به بازگشت می‌شود و دست رد به سینه ندایا به عبارت دیگر دعوت می‌زند؛ اما سرانجام حرکتش را از سر می‌گیرد و با موجودی حمایتگر روبرو می‌شود؛ این شخصیت که «تشانگر قدرت محافظ و مهربان سر نوشت است» او را یاری می‌رساند. قهرمان با کمک یاری‌رسان‌ها و امداد‌های غیبی از نخستین آستان می‌گذرد. او پس از طی اندکی از راه توسط نهنگی بلعیده می‌شود. بلعیده شدن او توسط نهنگی نشانگر تولد دوباره اوست. قهرمان پس از عبور از جدایی به آیین تشریف می‌رسد. مرحله‌ای که در آن با سختی‌ها و دشواری‌های هولناکی مواجه خواهد شد. در این مرحله، او نخست باید از جاده آزمون‌ها بگذرد؛ جاده‌ای که سر تا سر آن خوف و وحشت است. جوزف کمبل این مرحله از سفر را این گونه توصیف می‌کند: «مقابل غاری تاریک ایستاده بودم و می‌خواستم داخل شوم؛ ولی از فکر این که نتوانم راه‌باز گشتار پیدا کنم به خود می‌لرزیدم.» قهرمان پس از گذر از این جاده، با خدا یا بانو خدایان ملاقات می‌کند و این ملاقات به آن دواج می‌انجامد: «دواج جادویی با خدا بانو-ملکه جهان نشان دهنده تسلط کامل قهرمان بر زندگی است؛ چون زن همان زندگی و قهرمان، عارف و ارباب آن است و آزمون‌های

جوزف کمبل الگویی را به نام سفر قهرمان طراحی کرد که ادعا می‌شود بیشتر اسطوره‌های جهان بر اساس آن پی‌ریزی شده‌اند. این الگو نخستین بار در کتاب «قدرت اسطوره» (۱۹۴۹) معرفی شد و پس از آن مورد نقد و بررسی قرار گرفت و در بعضی از آثار سینمایی استفاده شد

جوزف کمبل الگویی را به نام سفر قهرمان طراحی کرد که ادعا می‌شود بیشتر اسطوره‌های جهان بر اساس آن پی‌ریزی شده‌اند. این الگو نخستین بار در کتاب «قدرت اسطوره» (۱۹۴۹) معرفی شد و پس از آن مورد نقد و بررسی قرار گرفت و در بعضی از آثار سینمایی استفاده شد

قهرمان که مقدمه تجربه و علل نهایی بوده، سمبل یحران‌هایی است که در راه ادراک حقیقت برایش وجود داشته است. ادراکی که آگاهی او را وسعت می‌دهد و توان تصاحب کامل مادر-نابودگر، یعنی عروس تقدیر و تحمل این بار را به او می‌بخشید و از این راه، او به یگانگی با پدر می‌رسید؛ اکنون او جای پدر نشسته است.» رضاسمیع زاده و سجاد خجسته گزافروزی در مقاله «تحلیل ساختاری سفر قهرمان در حماسه و عرفان بر اساس نظریه جوزف کمبل» می‌نویسند: «مرحله پایانی سفر قهرمان حماسی و عرفانی در بخش تشریف، رسیدن به برکت نهایی است. برکت نهایی قهرمان حماسی و عرفانی در آیین تشریف به گونه‌های تقریباً یکسانی نمود پیدا می‌کند. این برکت، در خوان هفتم قهرمان حماسی شاهنامه، رستم، یا کشتن دیوسپید پدیدار می‌گردد. همین امر در پایان سفر دیگر قهرمان حماسی شاهنامه یعنی اسفندیار با گذر از دریایی شگرف نمود پیدا می‌کند. برکت نهایی آیین تشریف قهرمان عرفانی منطق الطیر عطار اینگونه است که مرغان سالک همگام با پیروزی بر موانع آیین تشریف و رسیدن به حقیقت راستین سیمرغ است. این برکت در پایان سفر دیگر قهرمان عرفانی منطق الطیر عطار، شیخ صنعان نیز پدیدار می‌شود. او پس از کارهایی چون خمر نوشی و... به قرب الهی الله دست می‌یابد. این برکت نهایی نه تنها موجب بهره‌مندی قهرمان حماسی و عرفانی می‌شود بلکه موجب بهره‌مندی اطرافیان قهرمان حماسی و عرفانی رانیز فراهم می‌کند.» این برکت نهایی یا اکسیر در اسطوره‌ها همان دست‌آورده مهمی است که قهرمان در سفر به دست می‌آورد.

قهرمان که مقدمه تجربه و علل نهایی بوده، سمبل یحران‌هایی است که در راه ادراک حقیقت برایش وجود داشته است. ادراکی که آگاهی او را وسعت می‌دهد و توان تصاحب کامل مادر-نابودگر، یعنی عروس تقدیر و تحمل این بار را به او می‌بخشید و از این راه، او به یگانگی با پدر می‌رسید؛ اکنون او جای پدر نشسته است.» رضاسمیع زاده و سجاد خجسته گزافروزی در مقاله «تحلیل ساختاری سفر قهرمان در حماسه و عرفان بر اساس نظریه جوزف کمبل» می‌نویسند: «مرحله پایانی سفر قهرمان حماسی و عرفانی در بخش تشریف، رسیدن به برکت نهایی است. برکت نهایی قهرمان حماسی و عرفانی در آیین تشریف به گونه‌های تقریباً یکسانی نمود پیدا می‌کند. این برکت، در خوان هفتم قهرمان حماسی شاهنامه، رستم، یا کشتن دیوسپید پدیدار می‌گردد. همین امر در پایان سفر دیگر قهرمان حماسی شاهنامه یعنی اسفندیار با گذر از دریایی شگرف نمود پیدا می‌کند. برکت نهایی آیین تشریف قهرمان عرفانی منطق الطیر عطار اینگونه است که مرغان سالک همگام با پیروزی بر موانع آیین تشریف و رسیدن به حقیقت راستین سیمرغ است. این برکت در پایان سفر دیگر قهرمان عرفانی منطق الطیر عطار، شیخ صنعان نیز پدیدار می‌شود. او پس از کارهایی چون خمر نوشی و... به قرب الهی الله دست می‌یابد. این برکت نهایی نه تنها موجب بهره‌مندی قهرمان حماسی و عرفانی می‌شود بلکه موجب بهره‌مندی اطرافیان قهرمان حماسی و عرفانی رانیز فراهم می‌کند.» این برکت نهایی یا اکسیر در اسطوره‌ها همان دست‌آورده مهمی است که قهرمان در سفر به دست می‌آورد.



جوزف کمبل الگویی را به نام سفر قهرمان طراحی کرد که ادعا می‌شود بیشتر اسطوره‌های جهان بر اساس آن پی‌ریزی شده‌اند. این الگو نخستین بار در کتاب «قدرت اسطوره» (۱۹۴۹) معرفی شد و پس از آن مورد نقد و بررسی قرار گرفت و در بعضی از آثار سینمایی استفاده شد

جوزف کمبل

مجموعه گسترده اسطوره‌هایی که من شناس کار کردن روی آنها را داشته‌ام، در یک نسل تازه‌نیز زنده خواهد ماند. می‌دانید این کار هنرمند است که به بازتفسیر داستان‌های کهن بپردازد و آنها را بار دیگر در شعر و نقاشی و فیلم زنده کند

و ساختمان روایی هوشمندانه‌ای را برای قصه خود انتخاب کند و با این ساختار می‌توان به راحتی مشکل‌های داستان را برطرف کرد. کریستوفر ووگلر از شاگردان جوزف کمبل در کتاب «سفر نویسنده» ساختار سفر قهرمان را در ۱۲ مرحله دسته‌بندی کرده است تا راحت‌تر بشود در زمینه نویسندگی داستان و فیلم‌نامه از آن بهره گرفت: ۱- دنیای عادی؛ ۲- دعوت به ماجراجاری؛ دعوت؛ ۳- ملاقات با مرشد؛ ۴- عبور از آستانه اول؛ ۵- آزمون؛ ۶- پشتیبان، دشمن؛ ۷- رویکرد به درونی‌ترین غار؛ ۸- آزمایش سخت (مبارزه نهایی با شرور و بانیره‌های متضاد)؛ ۹- جایزه (تصرف شمشیر یا جام زرین و پشم طلائی)؛ ۱۰- مسیر بازگشت؛ ۱۱- تجدید حیات؛ ۱۲- بازگشت با اکسیر. قهرمان در دنیای عادی در حال گذران زندگی روزمره است که مشکلی حاد و غیرنچ‌شکل می‌گیرد و او را در خواست کمک می‌شود مثلا از کار آگاهی می‌خواهند تا قاتلی باهوش را بگیرد. قهرمان گاهی دعوت را رد می‌کند و معمولا در داستان‌های رمانتیک، یک شکست عشقی در گذشته خورده است و دیگر نمی‌خواهد با شخص جدیدی آشنا شود اما در ادامه با پیرفرزانه یا مرشدی حکیم روبرو می‌شود که او را راهنمایی می‌کند. وقتی قهرمان به ماجراجاری متعهد می‌شود باید از دنیای عادی عبور کند و وارد دنیایی ویژه و خاص شود که آن را عبور از آستانه می‌نامیم و موتور محرک داستان به حرکت در می‌آید. اینجا همان جایی است که دکتر استوگمان در نمایشنامه «دشمن مردم» هنریک ایبسن تصمیم می‌گیرد تا در برابر مردم شهر خود بایستد و تمام خطر‌ها را به جان بخرد تا از شرف خود و حقیقت دفاع کند. آزمون‌ها، جایی است که قهرمان و یاران او باید مراحل طی کنند تا برای نبرد نهایی آماده بشوند. ولادیمیر و استراگون در نمایشنامه «در انتظار گودو» در جای خود ثابت هستند و کاری نمی‌کنند ولی از آزمون آنان انتظار کشیدن برای گودو است. مرحله درونی‌ترین غار، معمولا وابسته به آستانه دوم است و قهرمان وارد مرحله جدیدی می‌شود و شاید باید تا قعر جهنم برود تا او را فرار بجات بدهد. مراحل ۱۰ تا ۱۲ هم مربوط به پرده سوم نمایش می‌شود که قهرمان در آنها پس از پیروزی بزرگ باید تصمیم بگیرد تا به همراه اکسیر (کنج و نیروی شفا بخش) به سرزمین خود بازگردد.

قهرمان که مقدمه تجربه و علل نهایی بوده، سمبل یحران‌هایی است که در راه ادراک حقیقت برایش وجود داشته است. ادراکی که آگاهی او را وسعت می‌دهد و توان تصاحب کامل مادر-نابودگر، یعنی عروس تقدیر و تحمل این بار را به او می‌بخشید و از این راه، او به یگانگی با پدر می‌رسید؛ اکنون او جای پدر نشسته است.» رضاسمیع زاده و سجاد خجسته گزافروزی در مقاله «تحلیل ساختاری سفر قهرمان در حماسه و عرفان بر اساس نظریه جوزف کمبل» می‌نویسند: «مرحله پایانی سفر قهرمان حماسی و عرفانی در بخش تشریف، رسیدن به برکت نهایی است. برکت نهایی قهرمان حماسی و عرفانی در آیین تشریف به گونه‌های تقریباً یکسانی نمود پیدا می‌کند. این برکت، در خوان هفتم قهرمان حماسی شاهنامه، رستم، یا کشتن دیوسپید پدیدار می‌گردد. همین امر در پایان سفر دیگر قهرمان حماسی شاهنامه یعنی اسفندیار با گذر از دریایی شگرف نمود پیدا می‌کند. برکت نهایی آیین تشریف قهرمان عرفانی منطق الطیر عطار اینگونه است که مرغان سالک همگام با پیروزی بر موانع آیین تشریف و رسیدن به حقیقت راستین سیمرغ است. این برکت در پایان سفر دیگر قهرمان عرفانی منطق الطیر عطار، شیخ صنعان نیز پدیدار می‌شود. او پس از کارهایی چون خمر نوشی و... به قرب الهی الله دست می‌یابد. این برکت نهایی نه تنها موجب بهره‌مندی قهرمان حماسی و عرفانی می‌شود بلکه موجب بهره‌مندی اطرافیان قهرمان حماسی و عرفانی رانیز فراهم می‌کند.» این برکت نهایی یا اکسیر در اسطوره‌ها همان دست‌آورده مهمی است که قهرمان در سفر به دست می‌آورد.

جوزف کمبل

چند پیشنهاد

روزها نسخه علیرضا کوشک جلالی از این متن با بازی اشکان خطیبی، رضا مولایی، لادن مستوفی و سیما تیرانداز تئاتر بین‌ها را اقیانوس کند.
۸. ننه دلاور و فرزندان او
اگر به دنبال اثری متفاوت هستید، پیشنهاد من این اثر به یادماندنی زهرا صبری با حضور فاطمه معتمد آریاست. اثر صبری در میان منتقدان به عنوان یکی از بهترین اقتباس‌ها از نمایشنامه مشهور برتولت برشت شناخته می‌شود. ننه دلاور و فرزندان او، درباره زنی است که در دوران جنگ آلمان با یک گاری دست‌ساز فروشنده می‌کند. او سه فرزندش را به دلایلی از دست می‌دهد؛ دلایلی که برای امروز ما بسیار آشنا و قابل تأمل است.



سفر نویسنده تئاتر در جاده‌هایی نو

سفر نویسنده تئاتر در جاده‌هایی نو

نمایشنامه‌نویسانی چون هنریک ایبسن، برتولت برشت، ساموئل بکت، تنسی ویلیامز، آنتون چخوف و... به قصه و اسطوره پردازی در جهان مدرن توجه داشته‌اند ولی ساختار قصه‌های آنان، هر کدام، مختص به خودشان است و هیچ شباهتی به یکدیگر ندارند با این وجود راهنمای سفر قهرمان جوزف کمبل می‌تواند به کمک نویسندگان بیاید تا پیرنگ

۶. هملت شازده کوچولو دانمارک
از آخرین ساخته رضا بابک سال‌هاست می‌گذرد؛ اما هنوز نام و یاد این نمایش میان مخاطبان جاری و ساری است. بهرام شاه محمدلو، جمشید جهان‌زاده و پرستو گلستانی همراهم رضا بابک برای خلق اثری اقتباسی از نمایشنامه مشهور ویلیام شکسپیر هستند.
۷. خدای کشتار
متن یاسمینا رضا، نویسنده فرانسوی ایرانی تبار برای تئاتر ایران خوش‌یمن بوده است. نمایش همواره با اجراهای موفقی روبرو بوده و مورد توجه بسیاری از مخاطبان قرار گرفته است. زبان ساده، کمیک و البته نقد طبقه بورژوا در متن رضا، موجب تأثیرگذاری شدید شده و آن را بدل به اثری به یادماندنی کرده است. شاید این

سفر نویسنده تئاتر در جاده‌هایی نو

۴. بالاخره این زندگی مال کیه

کن هریسن، مجسمه‌ساز و استاد دانشگاه، در پی سانه رانندگی برای همیشه فلج می‌شود. وضعیت جسمانی در مان‌ناپذیرش چنان است که او تصمیم می‌گیرد از بیمارستان مرخص شود. مبارزه او برای به دست آوردن این امتیاز، مسائل بسیار مهمی را در زمینه اراده آزاد، حرمت انسانی و اخلاق اجتماعی مطرح می‌کند. یکی از ساخته‌های اشکان خیل‌نژاد، کارگردان جوان و خوش‌آهنگ کشور با بازی نوید محمدزاده در نقش کن هریسن می‌تواند تصویری انسانی از خواسته‌ها و تصمیمات ما باشد. نمایشنامه مشهور برایان کلارک، اثری است از گریستا نیسیلیستی که به زبان ساده از اهمیت خودشناسی و رابطه من با خود می‌گوید.

۵. ایوانوف
یکی از بهترین آثار امیررضا کوهستانی بی‌شک اقتباس او از نمایشنامه مشهور آنتوان چخوف است. ایوانوف مردی است نیک‌سرشت و خوش‌قلب که در معرض کج‌فهمی‌ها و افترا زنی‌های اطرافیان قرار دارد و سرخورده از زندگی و همسر بیمار خویش از محیط خانواده می‌گریزد. دختری به نام ساشا که شیفته او شده و شاید با انگیزه دلسوزی و ترحم، می‌خواهد او را از ورطه زندگی ملال‌آورش رهایی بخشد؛ اما ایوانوف که دچار نومیدی مرگ‌آوری است و پس از مرگ همسرش طاقت ورود به ماجرا و زندگی جدیدی را ندارد، در دست در زمان فرار سیدین جشن از دواج با ساشا خود را با تیر می‌زند. حسن معجونی، سعید چنگیزیان و رضایی‌پوری در کنار نگار جواهریان دنیای بی‌تحرك ایوانوف را می‌آفرینند. کوهستانی به‌مان‌ذکر می‌دهد نتیجه چنین زندگی چه خواهد بود، همان چیزی که بیشتر مان‌پیشه کرده‌ایم.

۲. ستوان اینیشور

از معدود آثار حسن معجونی با بازیگران شاخص، نمایشی است درباره وضعیت عجیب و غریب پدری که به اشتباه گریه فرزند بدخلقش، یک ستوان امینتی کشته می‌شود و حال‌ادر بحبوحه فعالیت‌های یک گروه تروریستی ایرلندی، باید با فرزند خشمگینش روبرو شود. ترکیب رضا بهبودی، نوید محمدزاده، سعید چنگیزیان و هوتن شکیبا یک کمدی پرهراس پدید می‌آورد. متن نمایش متعلق به مارتین مک‌دونا، نویسنده و کارگردان شناخته‌شده بریتانیایی است و این نمایشنامه یکی از سه اثر سه‌گانه جزایر آر آن نویسنده است.
۳. اسم

آخرین ساخته لیلی رشیدی در مقام کارگردان، اثری است جذاب و کمیک و البته تکان‌دهنده از واقعیت انسانی ما و چوه منقی‌ما. لیلی رشیدی، حسن معجونی، آناهیتا درگاهی و داریوش موفق در نقش اعضای یک خانواده، در یک مهمانی روابطشان آشکار می‌شود و در می‌یابند با وجود آنچه نزدیکی میان یکدیگر می‌پندارند، به چه میزان از یکدیگر دور هستند. شاید نمایش تصویری نزدیک به حال و روز ما باشد، با طعم لبخند و شغف.

فیلم تئاترها، چراغ روشن دنیای نمایش

احسان زبور عالم

این روزها که چراغ سالن‌های تئاتر به واسطه هجوم کرونا خاموش است، گویی گرد میت بر سر دنیای نمایش کشور ریخته باشند. دو هفته تعطیلی هیچ‌گاه چنین تئاتر ایران را تسخیر نکرده بود، تئاتری که در این سال‌ها، نوروزش هم رونق یافته بود، حالا در برهوتی آخرالزمانی خودش را یافته است؛ اما از قدیم گفته‌اند در نومید بسی امید است. برای تئاتر دوستان این روزها به لطف فناوری، دیدن تئاتر کماکان ممکن است. با رجوع به سامانه‌های VOD هنوز می‌توان از تئاتر بهره‌ای برد. فیلم تئاترها رسانه‌ای هستند که در چنین ایامی می‌توانند فاصله ما و تئاتر را کم کنند. در این مجال قصد دارم چند فیلم تئاتر مناسب با روز و حال پراشوبمان معرفی کنم تا شاید التیامی باشد بر دل پهراسمان.

۱. مضحکه شبیه به قتل
شاید این نمایش را نتوانیم از بهترین آثار حسین کیانی بدانیم؛ اما داستان این نمایش دیدنی است. نمایش درباره آغاز استبداد صغیر و تسلط محمدعلی شاه قاجار بر نظام مشروطه‌خواهی ایران است. به حکم شاه یک مشروطه‌خواه و یک استبدادطلب به دست میر غضب سپرده شده‌اند تا در استخر باغشاه اعدام شوند؛ اما میر غضب نمی‌آید و سیاست وجه سیاه‌تر خود را در قالب کمدی عیان می‌کند. نمایش